

درنگی دیگر

در انتساب آداب المتعلمین به استاذ البشر

جويا جهانبخش^۱

آیینی که با «اقرء» آغاز گردید^۲ و جستن دانش را بر هر مرد و زن گرونده فریضه گردانید^۳، شاید بیش و پیش از هر سامان گروهی و نهاد اجتماعی، نظام تعلیم و تربیت را بنیاد گذاشت و استوار داشت.

^۱ . دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیّه و نویسنده و پژوهشگر.

^۲ . منظور، آیه‌ی نخست از سوره‌ی «علق» است - که سوره‌ی «اقرأ» نیز خوانده شده - و گفته‌اند: «اول از قرآن که آمد این آیات بود - الی قوله: ما لم یعلم» *روض الجنان*، تصحیح یاحقی و ناصح، چ ۲، ج ۲۰، ص ۳۳۴.

^۳ . حدیث نبوی است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» *منیة المرید*، تحقیق: رضا المختاری، ط. ۳، ص ۹۹؛ در برخی نقلها عبارت «و مسلمة» هم در ادامه‌ی حدیث هست (نگر: *کتاب آداب المتعلمین*، تحقیق: الحسینی الجلالی، ط. ۱، ص ۵۷؛ متن و حاشیه)؛ هرچند نبود «و مسلمة» هم لزوماً این طلب را منحصر به مرد مسلمان نمی‌سازد.

در این آیین، اندکی دانش از عبادت بسیار بهتر بود^۱ و دانشمندی که مردمان از دانش او سود می‌برند برتر از هفتاد هزار عابد به شمار می‌رفت.^۲ طبیعی بود که گروندگان بدین بهین آیین آسمانی، در جامعه‌ای که ارزش آدمی به دانایی او بود^۳ و دستیابی به کامیابی این جهانی و رستگاری آن جهانی در گرو آموختن، در طلب علم بکوشند و در راه رسیدن به آن از جان و مال خویش دریغ ندارند.

شکل‌گیری حلقه‌های دامن‌گستر درس و بحث و روایت و درایت، در مساجد و مدارس، پیامد فرهنگ دانش‌پرور اسلام بود. گسترش این سامانه‌های گروهی و اجتماعی و فزونی شمار طالبان علوم، از یک سو، و انباشت تعالیم و رهنمودهای مربوط به آیین‌ها و هنجارهای آموختن و آموزاندن، از سوی دیگر، ضرورت تدوین آیین‌نامه‌هایی را دامن می‌زد که هنجارها و پسندهای راه دانش‌اندوزی را به جویندگان نشان دهد و بسان «کتاب راهنما» علی‌الخصوص طالب علمان نوآموز را، با آداب تحصیل و بایست‌ها و شایست‌های آن آشنا سازد.

عالمان و آموزگاران بزرگ تمدن اسلامی، با همین هدف، از دیرباز، کتاب‌ها و رساله‌های خرد و کلان فراوان نوشته‌اند و کوشیده‌اند تا آداب تعلیم و تعلم دینی را در آنها توضیح دهند. گوناگونی و فراوانی این نوشته‌ها چندان است که بازشناسی آنها خود نیازمند تدوین یک کتابشناسی تفصیلی فرجه و سترگ می‌باشد. در این میانه، چند کتاب و چند رساله - خصوصاً در حوزه‌های فرهنگی منطقه‌ی

^۱ . حدیث نبوی است: «قلیل العلم خیر من کثیر العبادة» منیة المرید، ص ۱۰۵.

^۲ . حدیث امام باقر علیه السلام است: «عالم ینتفع بعلمه أفضل من سبعین ألف عابد» منیة المرید، ص ۱۱۱.

^۳ . حدیث علوی است: «قیمة کل امرء ما یعلمه» منیة المرید، ص ۱۱۰.

ما - رواج و تداول بیشتری داشته است؛ از کتاب‌ها، در حوزه‌ی تشیح، مُنیة المرید فی
أَدبِ المُفید و المُستفید، نوشته‌ی شیخ زین الدین بن علی عاملی (۹۱۱ - ۹۶۵ ه
ق.) است، و از رساله‌ها، و جیزه‌ی موسوم به *آداب المتعلمین* که معمولاً به خواجه
نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ه.ق.) معروف به «استاذ البشر» - قدس الله سره
القدوسی - نسبت داده می‌شود.

رساله‌ی *آداب المتعلمین* سده‌هاست که در فضاها‌ی علمی و تعلیمی شیعه روایی
و تداول داشته و به ویژه اندراج آن در مجموعه‌ی درسی موسوم به *جامع المقدمات*
- که از درسنامه‌های حوزوی محسوب است - بر این رواج افزوده. معمولاً هم
بی‌تشکیک و تردید نویسنده‌ی آن را خواجه نصیر الدین طوسی - روح الله روحه
العزیز - می‌دانسته و *آداب المتعلمین* را به نام او باز می‌خوانده‌اند.
در سده‌ی اخیر بعض محققان در انتساب *آداب المتعلمین* به خواجه‌ی طوسی قدس سره
تشکیک یا انکار آوردند.

یکی از کسانی که در انتساب *آداب المتعلمین* به استاذ البشر تشکیک نمود،
شادروان استاد محمد تقی دانش‌پژوه، نسخه‌شناس و فهرست‌نگار و متن‌پژوه بزرگ
روزگار ما، بود. چنان که در خاطر است آن فقید را در این باب مقالتی در مجله‌ی
راهنمای کتاب باشد! همو بود که معلوم داشت *آداب المتعلمین*، نگاشته‌ای است بر
بنیاد *تعلیم المتعلم* از تألیفات برهان الدین زرنوجی حنفی (در گذشته پس از
۵۹۳ ه.ق.).

شخص دیگر، دانشمند فرزانه‌ی سپاهانی، شادروان استاد محمد صدر هاشمی،
است. من خود نوشتار او را ندیده‌ام لیک چنان که مرحوم استاد بدرالدین کتابی

۱. متأسفانه هم‌اکنون نه مرا به *راهنمای کتاب* دسترسی هست و نه به *احوال*
و آثار *خواجه نصیرالدین طوسی*، تألیف سودبخش شادروان استاذ سید محمد تقی
مدرس رضوی - رضوان الله علیه - که گمان دارم آن مرحوم نیز در این باره گزارشی
آورده باشد.

خاطر نشان فرموده، وی در شماره‌ی نوزدهم نشریه‌ی اداره‌ی فرهنگ استان دهم، مقاله‌ای درباره‌ی مؤلف *آداب المتعلمین* نگاشته^۱. به گزارش شادروان استاد بدرالدین کتابی، مرحوم صدر هاشمی حدس زده بود... که مؤلف آن [= *آداب المتعلمین*]، شخصی موسوم به محمود آبه و سال تألیف آن ۷۴۵ هجری بوده است.^۲

مرحوم کتابی می‌گوید:

این استنباط استاد ظاهراً متکی به یک نسخه‌ی خطی قدیمی بود که در اختیار ایشان قرار داشت. بنده نیز نسخه‌ی مذکور را خدمت ایشان زیارت کردم و به نظرم چنین رسید که محمود آبه کاتب آن است، نه مؤلف. به علاوه، همان طور که خود آن شادروان مرقوم فرموده بودند، رساله‌ی خطی مذکور با رساله‌ی معروف *آداب المتعلمین* تفاوت‌هایی داشت و گویا یک نفر - که شاید همان محمود آبه باشد - رساله‌ی منسوب به خواجه‌ی طوسی را مختصر کرده و گاهی هم مطالبی بدان افزوده است. اما به هر حال، از این نسخه به خوبی معلوم می‌شود که تألیف *آداب المتعلمین* نمی‌تواند مربوط به بعد از سال ۷۴۵ هجری باشد.^۳

شخص دیگر، همین دانشمند اخیر الذکر، یعنی مرحوم استاد بدرالدین کتابی است که از فرهنگیان و فرهیختگان نامی شهر ما و در میان مردم اصفهان به فضل و فضیلت معروف است. او که ترجمه‌ای هم از *آداب المتعلمین* فراهم و منتشر کرده

^۱ . مجموعه مقالات بدرالدین کتابی، چ ۱، انتشارات نوین، پاییز ۱۳۶۸ ش، ص ۲۰۱، هامش.

^۲ . همان، صص ۲۰۱ و ۲۰۲، هامش.

^۳ . همان، ص ۲۰۲، هامش.

بود، طیّ مقالتي به نام ملاحظاتي درباره‌ی رساله‌ی *آداب المتعلمين* و مؤلف آن^۱ تشكيك خويش را مجال طرح داده است.

نگارنده‌ی اين سطور، پس از ملاحظه‌ی آرای مرحومان دانش‌پژوه و صدر هاشمی و كتابی - رضوان الله عليهم أجمعين - در مشكوك الانتساب بودن *آداب المتعلمين* هيچ ترديدی نداشت و ديگر آن و جيزه را ريخته‌ی قلم حضرت خواجه - أعلى الله مقامه - نمی‌پنداشت، تا آن که طبع محقق *آداب المتعلمين* به اهتمام استاذنا العلامه و شيخنا في الاجازه، آيه‌الله سيد محمد رضا حسيني جلالی - دام ظلّه الوارف - انتشار يافت^۲ و بر صفحه‌ی عنوان آن نام خواجه‌ی طوسی - قدس الله سرّه - القدوسی - مرتسم بود.

این تصحيح شريف و تحقيق منيف^۳ که بی‌ترديد از نمونه‌های ممتاز احیای ميراث گذشتگان و سرمشقی از برای سالکان این طريق است، آراسته به حواشی و توضیحات و تدقیقات نفیس استاد جلالی بود که *آداب المتعلمين* را از همیشه خواندنی‌تر می‌نمود.

پس، از دو جهت آن را در مطالعه گرفتیم و با این متن عهدی تازه کردم:

یکی، کسب فیض از تعلیقات و ایضاحات سودبخش محقق.

دیگری، تأملی دوباره در چون و چند انتساب آن به خواجه قدس سرّه. خاصه از این

^۱ . همان، صص ۱۹۹ - ۲۰۳ .

^۲ . *آداب المتعلمين، الخواجه المحقق نصير الدين الطوسي قده، تحقيق و توثيق: السيد محمد رضا الحسيني الجلالی، ط ۱، شیراز، انتشارات کتابخانه‌ی مدرسه‌ی علمیه‌ی امام عصر - عجل الله تعالی فرجه -، ۱۴۱۶ ه . ق.* چاپ دوم این تحقیق از سوی مؤسسه‌ی «بضعة المختار صلی الله علیه و آله» در قم انتشار یافته است که چون نسخه‌ای از آن در اختیار ندارم از آرایه‌ی مشخصات دقیق کتابشناختی‌اش معذورم .

^۳ . این تصحيح برنده‌ی جایزه‌ی نخست از مسابقه‌ی بزرگ تصحيح متون به سال ۱۴۱۵ ه . ق. نیز بوده است.

روی که علی رغم اشتهار نسبت آن به خواجه‌ی طوسی - به قول مرحوم کتابی - «هیچ کسی، مدرکِ مُثَبِّتِ بر صحتِ انتساب آن به خواجه، نشان نداده است.»^۱ از مقدمه‌ی استاد جلالی - آدام الله اجلاله - پیداست که ایشان از نظر مرحوم دانش‌پژوه مستحضر بوده‌اند^۲ ولی آن را نپسندیده‌اند، به ویژه از آن روی که این کتاب در جمیع دست‌نوشته‌ها و چاپ‌ها و نگارش‌هایی که پیرامون آن پدید آمده است، به خواجه نصیر الدین طوسی نسبت داده شده،^۳ و کاملاً نیز مطابق با تألیف زرنوجی حنفی نیست.^۴

هویداست این هر دو نکته مناقشه‌برانگیز است؛ زیرا:

اولاً تمام دست‌نوشته‌ها و اسنادی که *آداب المتعلمین* را تألیف خواجه دانسته‌اند متأخر هستند و هیچ نسخه‌ی خطی یا سند قریب به عصر خود او در دست نیست که انتساب *آداب المتعلمین* را به خواجه تأیید و تأکید کند.

ثانیاً، - چنان که خود استاد جلالی نیز قایل شده‌اند^۵ - می‌توان گفت: *آداب*

المتعلمین اقتباسی است آزاد و مقرون به دخل و تصرف از *تعلیم المتعلم زرنوجی*، و لازم نیست *آداب المتعلمین* عین *تعلیم المتعلم* باشد تا انتساب آن به خواجه منتفی گردد؛ بلکه به شرحی که خواهیم آورد، نحوه‌ی اقتباس آن از *تعلیم المتعلم* خود می‌تواند مؤید عدم انتساب آن به خواجه گردد.

ظاهراً، از شیوه‌های گوناگون توثیق متن یک کتاب، شیوه‌ی بررسی قراین و

۱. مجموعه مقالات بدرالدین کتابی، صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

۲. *آداب المتعلمین*، ط. پیشگفته، ص ۲۰.

۳. همان.

۴. همان، ص ۲۱.

۵. همان.

شواهد درونی متن و میزان سازگاری آنها با دیگر آثار پدیدآورنده^۱، در مورد *آداب المتعلمین* و مسأله‌ی انتساب آن به خواجه‌ی طوسی^{قدس سره}، کارآمدتر باشد. به نظر راقم این سطور، حواشی سودمند و ایضاحات ژرف‌نگرانه‌ی خود استاد جلالی در تصحیح نفیس *آداب المتعلمین*، در تقویت و تأیید عدم انتساب کتاب به خواجه یاریگر است:

در اوایل *آداب المتعلمین*، آن جا که نویسنده از دانش‌های گوناگون سخن داشته و انواع و جوب عینی و کفایی در طلب علم را بیان کرده است، نوشته:

«... و علم النجوم بمنزلة المرض، فتعلمه حرام؛ لأنه يضرّ و لا ينفع، الآ قدر ما يعرف به القبلة، و أوقات الصلاة و غير ذلك، فإنه ليس بحرام.»
(ص ۶۱)^۲

... و دانش نجوم به منزله‌ی بیماری است، و آموختن آن حرام است، زیرا زیان می‌رساند و سودی ندارد؛ مگر آن اندازه که شناخت قبله و اوقات نماز و غیر آن منوط بدان می‌باشد؛ که این اندازه از نجوم حرام نیست. چنان که پیداست تراوش چنین مطلبی - خواه به انشاء و خواه به انشاد - از خامه‌ی اخترشناس نامداری چون خواجه‌ی طوسی^{قدس سره} به غایت بعید است.

^۱. آنچه علامه سید محمد حسین حسینی جلالی در *فهرس تراث اهل البيت عليهم السلام* بیروت، ط ۲۰، ۱۴۱۸ ه. ق.، ج ۱، ص ۳۲ به عنوان «الطريقة الرياضية» یاد کرده اند، یکی از مظاهر همین شیوه می‌باشد.

^۲. این شماره‌ی صفحات ناظر به همان طبع پیشگفته از *آداب المتعلمین* است.

ظاهراً علامه جلالی - دام علاه - خود متوجه پریشانی محتوایی سخن نویسنده شده، و از همین رو شرح مفیدی در باب پرسمان دانش نجوم، و زیان و حرمت آن در هامش نوشته‌اند که حاصل آن به فارسی از این قرار است:

گاه شناخت ستارگان و اعداد و حرکات و مواقع و اوقات آنها را «علم نجوم» می‌نامند؛ که درین صورت، «علم نجوم» یکی از معارف متداول و عمومی بشر است، ولی برای طالب علم دین سودی ندارد؛ نه در زندگانی طالب علم دین اثری می‌گذارد و نه بر معرفت آن فایده‌ی خاصی مترتب است؛ از این رو، تلاش برای آموختن آن به طالب علم دین زیان می‌رساند؛ زیرا وقت او را هدر می‌کند و او را از تحصیل آنچه ضروری است، یا در زندگانی علمی‌اش اهمیت و نفع و اثر بیشتری دارد باز می‌دارد. معنای قول ماتن که می‌گوید: «یضرّ و لاینفع» (یعنی: زیان می‌رساند و سودی ندارد)، همین است.

بنابر این، استثنا در عبارت «الأقدر ما يعرف...» (تا به آخر)، استثنای متصل است؛ اما باید گفت مادام که این علم به ادای واجبات ضروری نزنند، و فراگیرنده را از آموختن یا انجام دادن آنچه بر او واجب می‌باشد، باز ندارد، نمی‌توان آن را از نظر شرع حرام شمرد.

گاه نیز مراد از «علم نجوم»، عقاید و پندارهای کسانی است که معتقد بودند ستارگان و اختران، به طور مستقل و نه در راستای اراده‌ی الهی، بر سرنوشت و عواقب امور آدمیان تأثیر می‌گذارند. این عقاید و پندارها - چنان که پیداست - شرک آلود و کفرآمیزاند، و لذا محکوم به حرمت می‌باشند؛ به باور طالب علم لطمه می‌زنند و نفعی علمی و عملی برای او ندارند؛ تنها به رواج خرافات و پندارهای باطل دامن می‌زنند.

بنابر این معنا، باید استثنا را منقطع بگیریم [زیرا تعیین قبله و اوقات

عبادات و... ربطی به این معنای علم نجوم ندارد و در حوزه‌ی معنای نخست است»^۱.

این توضیح از جهت توجه به پیشینه‌ی تلقی‌ها از دانش نجوم و صناعت تنجیم کاملاً درخور عنایت و متین است؛ و - به گمان نگارنده - همین توضیح نشان می‌دهد که چه اندازه آن عبارات از مشرب خواجه - رُوح الله روحه - دور می‌باشد: اگر استثنا متصل باشد و لذا هم صدر و هم ذیل عبارت را ناظر به دانش اخترشناسی بگیریم - که همین هم با سیاق متن سازگارتر است - باید قایل شویم که خواجه به تحریم تعلّم این دانش - جز در مواضع کاربرد عبادی آن - دست یازیده است، و این نه تنها با پایگاه و ژرف کاوی خود او در این دانش نمی‌سازد، مستلزم نهایت بی‌اطلاعی از علم فقه هم هست!

اگر هم استثنا منقطع باشد، و صدر عبارت (که از حرمت و زیان نجوم سخن می‌گوید) به پیشگویی‌ها و احکام خرافی اهل تنجیم ناظر باشد، و ذیل آن به دانش اخترشناسی، باز انتساب آن به قلم خواجه خالی از اشکال نخواهد بود؛ زیرا عنایت او به دانش اخترشناسی بسی بیش از آن است که آن را در حدّ فواید فقهی و عبادی‌اش به رسمیت بشناسد و مطرح کند، و از هزار و یک گونه سود هستی‌شناسانه‌ی آن غفلت نماید.

افزون بر آن، در استثنای منقطع هم نوعی مناسبت ملحوظ است^۱، و از روح بلند و نظر ژرف خواجه بس دور می‌نماید که خرافات کاهنانه و قصّه‌پردازی‌های اهل تنجیم را با دانش اخترشناسی - که تعلّم بهره‌ای از آن به اقتضای شریعت هم واجب کفایی است - همدوش و هم‌معنان سازد.

^۱. نگر: جامع الدروس العربیّة، مصطفی الغلابینی، ۳ / ۱۳۴ و ۱۳۵.

باز افزون بر این، چه لزومی داشته است اگر مراد جدا کردن اخترشناسی علمی از خرافات اهل تنجیم بوده، این انفصال با استثنای منقطع و چنین جمله‌ی پیچیده‌ی لغزگونه‌ای بیان شود که تازه نوآموزان مخاطب کتاب را به اشتباه بیفکند؟!... این گونه «لغز نویسی» در کتاب راهنما و درسنامه، از شیوه‌ی خواجه‌ی طوسی قدس سره حقیقتاً دور است.

عدم تناسب مطلب مذکور با مشرب خواجه مورد توجه مرحوم استاد بدرالدین کتابی نیز قرار گرفته بوده است و از این رو وی نوشته:
... از محقق طوسی منجم دانشمند و بناکننده‌ی رصدخانه‌ی مراغه و مؤلف کتاب‌های *زبدۃ الهیئه* و *سی فصل در تقویم و بیست باب در معرفت استرلاب*^۱ و *زیج ایلخانی*، بسیار دور است علم نجوم را حرام بداند.^۲

باز تأکید می‌کنم مسأله‌ی دور بودن سبک نگارش خواجه را نیز از چنان احتمالات و محاملی در توجیه عبارات پیشگفته، نباید سهل گرفت. عدم اتقان در پردازش عبارات و سیاق نگارش *آداب المتعلمین*، نمودهایی دارد که آن را به جد از مجموعه‌ی آثار خواجه‌ی طوسی دور می‌دارد. نویسنده‌ی *آداب المتعلمین* درباره‌ی شفقت معلم می‌نویسد:
و ینبغی أن تكون همّة المعلم أن یصیر المتعلم فی قرنه عالماً. و یسفق علی تلامیذه... بحیث فاق علماء العالم. (ص ۱۱۵)
چنان که دیده می‌شود - و مصحح محترم هم در هامش تصریح نموده‌اند - متن،

^۱. در اصل مقاله‌ی مرحوم کتابی «استرلاب» آمده است؛ و البته این هم یکی از شیوه‌های املائی این واژه‌ی معرب یونانی الأصل به شمار است.

^۲. مجموعه مقالات بدرالدین کتابی، ص ۲۰۱.

خالی از غموض نیست. مصحح محترم تذکر داده‌اند که این جمله‌ی مبهم در تعلیم المتعلم برهان الدین زرنوجی - که ظاهراً مبنای ساماندهی آداب المتعلمین بوده - نیامده ولی حکایتی از پدر دو تن از عالمان به نام آمده است، بدین مضمون که پدر تدریس به بیگانگان را بر تدریس بر دو پسر خود مقدم می‌داشت و به برکت شفقتی که نسبت به بیگانگان به خرج می‌داد «فاق ابناه أكثر فقهاء أهل الأرض في ذلك العصر في الفقه»؛ یعنی دو پسرش در آن روزگار در علم فقه از بیشتر فقیهان پیش افتادند. (نگر: همان ص، هامش)

به نظر می‌رسد منظور علامه جلالی - دام علاه - از نقطه‌چین گذاشتن در متن، و نقل «فاق ابناه أكثر فقهاء أهل الأرض» زرنوجی در هامش، آن بوده است که مختصر سازنده‌ی کتاب زرنوجی و مدون آداب المتعلمین، بخشی از عبارت او را فرو انداخته و بخشی دیگر را نقل کرده است.

به هر روی، از مقایسه‌ی متن و عبارت زرنوجی چنین چیزی مستفاد می‌شود و به نظر می‌رسد مختصر سازنده‌ی کتاب او که آداب المتعلمین را بدین ترتیب پرداخته است، یا به سبب شتابکاری، یا به سبب قلت بضاعت و ضعف تشخیص، سرودست سخن او را شکسته و عبارت ناروشن متن آداب المتعلمین را پدید آورده است. هر چه باشد، چنین اهمالی از خواجه‌ی طوسی بسیار بعید به نظر می‌رسد. خواجه‌ای که خود بخشی از فعالیت‌های قلمی‌اش، مصروف تحریر و تهذیب و تا حدودی - به تعبیر امروز - «ویراستاری» آثار متقدمان می‌شده است، آیا خود این گونه بی‌مبالات و ناپیراسته قلم می‌زند؟ نویسنده‌ی آداب المتعلمین، در اوایل فصل نهم، به کتابت تشویق می‌کند و به طالب علم سفارش می‌نماید:

أن يكون معه - في كل وقت - محبرة، حتى يكتب ما يسمع من الفوائد

یعنی: همواره با خود دوات داشته باشد تا فوایدی را که می‌شنود بنویسد. (ص ۱۲۱)

و در این باب به گفته‌ای از پیشینیان استناد می‌کند که گفته‌اند:

«ما حفظ فرّ و ما کتب قرّ» (ص ۱۲۲)؛

یعنی: آنچه به خاطر سپرده شود، می‌گریزد، و آنچه نوشته آید، می‌پاید).

لیک به یک باره عنان بر تافته می‌نویسد:

و قيل: العلم ما يؤخذ من أفواه الرجال؛ لأنهم يحفظون أحسن ما

يسمعون، و يقولون أحسن ما يحفظون...» (صص ۱۲۲ و ۱۲۳)؛

یعنی: و گفته‌اند: دانش آن است که از دهان مردان فرا گرفته شود؛ زیرا

ایشان بهترین شنیده‌های خود را از بر می‌کنند، و بهترین از بر کرده‌های

خود را به زبان می‌آورند....

تا این جا ماتن بر کتابت تأکید می‌کرد و از فرآری محفوظات دم می‌زد، ولی به

یک باره و بدین گونه حفظ را برتر می‌شناسد!

علامه جلالی که متوجه عنان تافتن به ناگاه ماتن شده‌اند، در هامش، حاشیه‌ای

مرقوم فرموده‌اند، بدین مضمون:

تصوّر می‌کنم مؤلف، این سخن پیشینیان را که گفته‌اند: العلم ما يؤخذ

من أفواه الرجال، به عنوان اعتراض مفروض بر آنچه درباره‌ی لزوم

کتابت گفته است، نقل نموده، و سپس به پاسخ‌گویی و تعلیل پرداخته

است که منظور پیشینیان از این جمله، توجه دادن به افضلیت منتخباتی

بوده است که عالمان از مسموعات و محفوظات خود بر زبان

می‌آورند، و این با لزوم کتابت منافاتی ندارد. (نگر: همان ص، هامش)

می‌گوییم:

حتی اگر منظور ماتن هم این بوده باشد - چه، علامه‌ی جلالی هم با تردید به توضیح مراد او پرداخته‌اند - باز می‌توان گفت: این شیوه‌ی ناهمپیوند و شکسته‌بسته‌ی بیان، نشانه‌ی خام‌دستی ماتن در نگارش و ضعف تألیف است؛ و این، به هیچ روی، با قلم استوار و بیان موی‌شکاف حق‌گزار خواجه‌ی طوسی - رفع‌الله درجته - قابل سنجش نیست.

بیان شارح‌اشارات و نویسنده‌ی اخلاق‌ناصری و مصنف‌تجربید الاعتقاد و معیار الأشعار، با آن همه موی‌شکافی و میناگری و نکته‌سنجی و دانش‌گستری، با این گونه عبارات مضطرب و سست‌پیوند آداب‌المتعلمین نسبتی ندارد.

* * *

فی‌الجمله، پاره‌ای مطالب در رساله‌ی آداب‌المتعلمین دیده می‌شود که با اسلوب قلم‌فرسایی و منهج نگارش و روش تفکر و منش خواجه‌ی طوسی چندان سازگار نمی‌افتد، و چون خواجه نصیر‌الدین - روح‌الله روحه - از ارکان فرهنگی طایفه‌ی امامیه - اعلی‌الله کلماتها - محسوب است، دریغ است نوشتاری مشکوک‌الانتساب، خاصه در آداب و اخلاق - که آن جناب خود از چکادانشینان شاخه‌های نظری و عملی آن است^۱ - به نام نامی او باز خوانده شود، حال آن که به

^۱ . مقام خواجه در اخلاق‌ناصری از نگارش‌هایی چون اخلاق‌ناصری و أوصاف‌الاشراف - و نیز، تا حدودی: اخلاق‌محتشمی - هویدا است. در اخلاق عملی نیز همین بس که بزرگمردی چون علامه‌ی حلی - رفع‌الله درجته - او را شریف‌خوی‌ترین مردمانی که دیده است، بشمارد.

احتمال قوی ریخته‌ی قلم استوار او نیست؛^۱ واللّه - سبحانه و تعالی - أعلم، و علمه
اتمّ و أحکم.

^۱ . چون سخن از هنجارنامه‌های اخلاق طلبگی و آیین‌نامه‌های اخلاقی دانش‌اندوزی است، روایت سخن را به ثنا خواندن بر کنش اخلاقی و عالمانه‌ی استاد سید محمد رضا حسینی جلالی - دام اجلله - ختم کنم که وقتی از این رأی و تردید و تشکیک نگارنده در باب انتساب *آداب المتعلمین* به خواجه‌ی طوسی قده‌سره، باخبر شدند، بر خلاف کثیری از ابنای زمانه که در برابر هر گونه انتقاد یا اختلاف نظر، پرخاشگر و نابردباراند و منتقدان را استخفاف می‌کنند و خوار می‌شمارند - ایشان راقم را به توضیح و تدوین انتقاد خود دل داده، تشویق نمودند و حتی نسخه‌ی ملکی‌شان از تعلیم المتعلم زرنوجی را - بی آن که من خود طلبیده باشم - مدتی مدید به امانت به اصفهان فرستادند تا در صورت لزوم مورد استفاده و استناد من واقع شود.

خداوند پاداشی را که به عالمان متخلّق و عامل وعده فرموده است به ایشان ارزانی دارد و هیچ يك از ما را از این خوی‌های والا بی‌بهره نگذارد - بمنّه و کرمه.

راهنمای درخواست اشتراک فصلنامه‌ی «اخلاق»

برای اشتراک سالانه‌ی مجله‌ی «اخلاق» فرم درخواست اشتراک یا رونوشت آن را تکمیل نمایید.

وجه اشتراک را به حساب جاری ۲۸۵۵ به نام دفتر تبلیغات اسلامی نزد بانک ملی ایران شعبه‌ی ۳۰۸۱ خیابان احمدآباد اصفهان واریز نموده، اصل فیش بانکی را به همراه فرم تکمیل شده‌ی اشتراک به نشانی مجله ارسال نمایید. بهای اشتراک سالانه (چهار شماره‌ی پیاپی) جهت داخل کشور ۲۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.

در صورت تغییر نشانی یا تأخیر در دریافت مجله با آدرس مجله مکاتبه یا با شماره‌ی تلفن ۲۲۲۵۲۰۶ - ۰۳۱۱ تماس حاصل فرمایید.

فرم درخواست اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:***

*** شغل:***

*** تا شماره:***

نشانی:***

*** صندوق پستی:***

تحصیلات:

از شماره:

کد پستی:

نشانی: اصفهان - صندوق پستی ۱۸۶ / ۸۱۳۹۵ مجله‌ی «اخلاق»